

آسیب‌شناسی رشته مترجمی زبان در دانشگاه‌های ایران

## طرحی نودراندازیم



مهدی نوروزی

...بنا به بنیاد این انتخاب درصفا و درصفا

چندسال پیش توفیق داشتم در دانشگاه آزاد (مرکزی) در رشته مترجمی زبان انگلیسی تدریس کنم. واحدهایی که بنده مسئول تدریس آنها بودم، دو واحد بررسی آثار ترجمه شده اسلامی یک (قرآن و نهج البلاغه) و دو واحد بررسی آثار ترجمه شده اسلامی دو (ادبیات شامل نظم و نثر) بود. البته این چهار واحد را پس از پیروزی انقلاب اسلامی بنا به تشخیص شورای عالی انقلاب فرهنگی به دیگر واحدهای این رشته افزوده بودند. چهار واحد مذکور معمولاً جزو واحدهایی بود که دانشجویان در ترم‌های آخر قبل از فارغ التحصیلی آموزش می‌دیدند. بنده که دوره آموزش زبان انگلیسی در خارج از کشور (انگلستان) را گذرانده بودم و فارغ التحصیل رشته الهیات (کارشناسی ارشد علوم قرآنی و حدیث) از دانشگاه تهران بودم، با اشتیاق زیاد این چهار واحد را تدریس می‌کردم. با گذشت زمان متوجه شدم دانشجویانی که درحال فارغ التحصیلی هستند، نه آنچنان توان ترجمه متون انگلیسی به زبان فارسی را دارند و نه می‌توانند خوب و سلیس صحبت کنند!

وقتی به بعضی از آنها انتقاد کردم و علت چنین مشکلی را جویا شدم، جواب دادند: «ما با یک علاقه‌مندی و اشتیاق این رشته را انتخاب کردیم، الان بعد از چندسال از هرچه زبان و ترجمه است، متنفر هستیم!» زمانی که به گذشته تحصیلات خودم رجوع می‌کردم، به خاطر می‌آوردم که بنده و همکارانم سال‌ها قبل (دهه ۵۰) در عرض ۶ ماه زبان انگلیسی را در مرکز آموزش‌های نیروی هوایی یاد گرفتیم؛ به نحوی که نه فقط انگلیسی صحبت می‌کردیم، بلکه همه کتب آموزشی را که به زبان انگلیسی بود (الکترونیک)، به خوبی مطالعه می‌کردیم و درصورت نیاز به ترجمه آن می‌پرداختیم. اکنون مواجه بودم با دانشجویانی که پس از چهارسال آموزش زبان انگلیسی در ابتدای راه بودند و شخصاً پشیمان از اینکه چنین رشته‌ای را انتخاب کرده‌اند، بعضی از آنها انتقاد می‌کردند: «دو واحد ادبیات داستانی، دو واحد ادبیات نمایشی، دو واحد شعر و ادبیات، چهار واحد اسناد و مکاتبات، دو واحد ترجمه نوار و فیلم، دو واحد ترجمه مطبوعات و... توی این واحدها کم شدیم، وقتی همه را گذرانندیم، همین‌شدم که می‌بینید!» شکایت چنین مشکلی را همان زمان به بعضی از مسئولان کردم، متأسفانه اهمیتی داده نشد و از یکی از عزیزان جواب شنیدم: «اینها در مرحله فوق لیسانس مشکل شون حل می‌شه!» الان که حدود ۲۰ سال هم از آن زمان می‌گذرد، با اطلاعی که دارم، هنوز تجدیدنظری در درس مربوط صورت نگرفته است. نتیجه چنین وضعی را در کتب ترجمه شده در بازار کتاب مشاهده می‌کنیم. ترجمه‌ها قابل فهم نیستند و بعضاً با ادبیاتی نه چندان روان و نامفهوم مواجه هستیم. شاهکارهای ادبی و علمی ترجمه شده، جذابیت قابل انتظار را ندارد و از زیبایی‌های زبان مرجع برخوردار نیستند. اگر اجازه بازنگری در واحدهای این رشته و شیوه تدریس در آن داده شود، می‌توان پیشنهاد کرد دو سال اول تحصیلی در رشته مترجمی به تدریس دستور زبان انگلیسی (گرامر) و مکالمه به همراه چند واحد ادبیات زبان فارسی اختصاص یابد و دو سال باقی‌مانده بحث ترجمه به صورت چند رشته تخصصی ادامه پیدا کند؛ رشته‌هایی در تخصص‌های مختلف نظیر مترجم رشته علوم پزشکی، مترجم رشته علوم انسانی، مترجم رشته علوم فنی، مترجم رشته الهیات، مترجم رشته علوم کشاورزی و... بدون تردید واحدهای تخصصی مختلف را می‌توان زیرمجموعه رشته‌های مذکور قرار داد، به نحوی که مثلاً در رشته علوم پزشکی، دانشجو بتواند با واژه‌ها، اصطلاحات و ادبیات چند تخصص عمده رشته پزشکی آشنا شود تا در ادامه کار، توان ترجمه متون پزشکی را به دست آورد. چنانچه چنین روشی تأیید و تدریس شود، ما می‌توانیم تا چندسال دیگر برای واژه‌هایی که در بیمارستان‌ها روی تابلوها استفاده می‌شود و هیچ‌کس اعم از بی‌سواد و تحصیل‌کرده آنها را نمی‌فهمد و با آنها مانوس نیست، معادل واژه فارسی تعریف و استفاده کنیم. همین‌طور در علوم دیگر اعم از علوم انسانی و دیگر رشته‌ها از ورود سیل آسای واژه‌ها و اصطلاحات خارجی جلوگیری کنیم، البته نقش فرهنگستان زبان فارسی می‌تواند در این جهت موثر و بسیار راهگشا باشد. به این ترتیب مترجمان زبان انگلیسی ما بعد از فارغ التحصیلی توان ترجمه انواع متون تخصصی را خواهند داشت و ما با این مشکلی که الان مواجه هستیم، برخورد نخواهیم کرد. چنین طرح و نظری در ابتدا مشکل به نظر می‌رسد اما با اعتقادی که وجود دارد و با اعتماد به نفسی که در اساتید سراغ داریم، انجام این بازنگری و تدوین روش جدید مسیر برای دانشجویان و اساتید جدید هموار خواهد کرد.

\* مؤلف کتاب‌های «دوقدم مانده به نور» و «همافر»

بن سلمان از زمان به سلطنت رسیدن پدرش، ملک سلمان، در سال ۲۰۱۵، همیشه از نفوذ خود برای احیای اقتصاد مملکتش، تضعیف پایه‌های تدین اسلامی و مقابله با دشمنانش در منطقه، به ویژه ایران، استفاده کرده است. این کارها باعث شد در کشورش، وال استریت، سیلیکون ولی، هالیوود و نیز در کاخ سفید دوستانی پیدا کند؛ حتی ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، او را مهم‌ترین مهره برای اهداف خود در خاورمیانه می‌داند. اما کارنامه این شخص مدعی اصلاح‌طلبی، به مرور زمان چندان درخشان از آب درنیامد و بسیاری معتقدند بن سلمان رهبری مستبد است که اگر قدم بر سریر قدرت بگذارد، با تصمیم‌های خام و ناگوارش، خاورمیانه را از آنچه هست نیز ناپایدارتر می‌کند.



محمد بن سلمان

نویسنده: بن هوبارد

مترجم: حمید هاشمی کهندانی

ناشر: کوله‌پشتی

۳۷۶ صفحه

۵۴ هزار تومان

خوانندگان به اتفاق درمانم، جایی که بیماران می‌توانند مرا بشناسند و همچنین در جلسات درمانی خود، جایی که در آن بیمار هستم، بشیریت مشترک ما را نشان می‌دهد و به افراد کمک می‌کند انزوی کمتری داشته باشند. هیچ‌کس ایمن از جنگ و دعوا نیست - اهمیتی ندارد زندگی‌اش از بیرون چطور به نظر می‌رسد - در درون، همه ما یک چیز را می‌خواهیم. می‌خواهیم دوست داشته باشیم و دوست‌مان داشته باشند اما اغلب در انجام آن مشکل داریم.

می‌خواهم نسخه تلویزیونی این کتاب درباره شخصی باشد که اتفاقاً درمانگر می‌شود؛ برخلاف تخصصی که آن بالا نشسته و فقط حرف می‌زند. به‌عنوان درمانگر، بزرگ‌ترین ابزار در دست من، انسان بودن من است. می‌خواهم این برنامه، انسان بودن مشترک ما را برجسته کند چون این امر به درمان سرعت می‌دهد و باعث می‌شود مردم نسبت به یکدیگر دلسوزتر باشند.

●●● **بیماران با درمانگر خود احساس صمیمیت می‌کنند و این مسأله می‌تواند حسادت همسران‌شان را برانگیزد. چطور فرد می‌تواند مشکلات زندگی‌اش را مطرح کند؟ آیا همه چیز باید به اشتراک گذاشته شود؟**

بین حریم خصوصی و رازداری، تفاوت وجود دارد. کارل یونگ، اسرار را «اسم روانی» خواند چون اسرار می‌تواند بسیار آزردهنده باشد. اما همه ما به حریم خصوصی احتیاج داریم. فقط به این دلیل که ازدواج کرده‌اید به معنای این نیست که همه فکر، احساس یا جزئیات روز خود را با یکدیگر در میان بگذارید. درمان می‌تواند جایی باشد که یک شریک زندگی بتواند روی موضوعی فردی کار کند و هرچه بهبود یابد، روابط بهتری می‌شود. این دو رابطه - یکی با درمانگر و دیگری با شریک زندگی شما - در رقابت نیستند. هر دو بسیار نزدیک هستند، اما به نحوی متفاوت.

●●● **توصیه شما برای کسی که درباره مراجعه به درمانگر شک دارد، چیست؟ بزرگ‌ترین مانع آن را چه می‌دانید؟**

مابیشتر برای سلامت جسم خود وقت می‌گذاریم و برای سلامت عاطفی خود ارزشی قابل نیستیم. اگر احساس کنید چیزی از بدن شما دارد از کار می‌افتد، قبل از این اتفاق سریع‌تر به پزشک مراجعه می‌کنید؛ مثلاً ایست قلبی. اما اگر حس کنید چیزی از نظر عاطفی یا در رابطه شما دارد از کار می‌افتد، چه می‌کنید؟ مردم تمایل به نادیده گرفتن آن دارند. سعی می‌کنند وانمود کنند احساساتی در کار نیست. در حقیقت، هرچه بیشتر سعی کنید آنها را سرکوب کنید، بیشتر می‌شووند و آنچه ممکن است اتفاق بیفتد این است که قبل از تماس با درمانگر، ایست قلبی اتفاق بیفتد. مامی‌توانیم با سریع‌تر صحبت کردن درباره درمان، همان‌طور که آزادانه درباره مراجعه به متخصص عمل جراحی صحبت می‌کنیم، تفکر عموم را تغییر دهیم. درباره زوجین این تصور غلط وجود دارد که اگر آنها به درمانگر مراجعه کنند یعنی در آستانه طلاق قرار دارند. اما زوج‌هایی که برای درمان می‌آیند نشانه قدرت یا اعتماد به نفس در رابطه آنها است، اینکه رابطه آنها برای یک مشکل مهم است. همیشه به افرادی که از درمان بهره‌مند می‌شوند می‌گویم: «شما فقط یک بار زندگی می‌کنید و نمی‌دانید چقدر طول خواهد کشید. پس منتظر چی هستید؟» □

\* برگرفته از نشریه گاتمن

## بخشی از کتاب

درباره جدایی‌ام نوشتم. درباره درمانگر، فناپذیری‌ام، ترس‌مان از قبول مسئولیت زندگی‌مان و نیازمان به این کار برای شفا یافتن. در این باره نوشتم که اهمیتی ندارد شرایط بیرونی‌مان چه باشد، ما حق انتخاب داریم که چطور زندگی کنیم و صرف نظر از اینکه چه اتفاقی افتاده، چه چیزی را از دست داده‌ایم، یا چقدر پیر شده‌ایم، به قول ریتا «تا موقعش نرسه تموم نمی‌شه». در این باره نوشتم که چطور گاهی کلید زندگی بهتر را داریم، اما نیاز داریم یک نفر نشان‌مان بدهد این کلید کوفتی را کجا گذاشته‌ایم!

●●●



بهتر است با یک نفر حرف بزنی

نویسنده: لوری گاتلیب

مترجم: خدیجه صفایی

و لیلی پلاشی

ناشر: گویا

۵۲۶ صفحه

۸۰ هزار تومان



گفت‌وگو با لوری گاتلیب، نویسنده‌ای که جلسات روان‌درمانی با بیمارانش را نوشته است

# بهتر است با یک نفر حرف بزنی

□ [ترجمه سپیده سزایی] لوری گاتلیب، نویسنده کتاب «بهتر است با یک نفر حرف بزنی»، درمانگری ساکن شهر لس‌آنجلس است که به افشای زندگی و روابط انسان‌ها می‌پردازد. او یکی از نویسندگان این اثر پر فروش به انتخاب نیویورک تایمز است و ستون‌نویسی شناخته شده در سطح ملی. کتاب، ما را به پشت صحنه دنیای درمانگران می‌برد، جایی که او و بیمارانش به دنبال جواب سوال‌هایشان می‌گردند. «بهتر است با یک نفر حرف بزنی» روایتگر بحرانی است که در زندگی لوری گاتلیب پیش می‌آید و دنیایش را زیرورو می‌کند. از دیگر شخصیت‌های کتاب، ونیل است؛ درمانگری عجیب و غریب که لوری اغلب برای مشاوره به مطب او مراجعه می‌کند. ونیل با کله‌ای طاس، پیراهن پشمی و شلوار خاکی رنگش انگار داتا برای این کار آفریده شده است. رفته‌رفته گاتلیب دالان‌های پرپیچ و خم زندگی بیمارانش را واکاوی می‌کند؛ بیماری‌های نظیر یک تولیدکننده خودشیفته هالیوود، خانمی مسن که تهدید می‌کند اگر تا جشن تولدش وضع بهتر نشود خودکشی خواهد کرد و دختر جوانی که مدام با آدم‌های اشتباهی قرار آشنایی می‌گذارد. گاتلیب متوجه می‌شود مشکلاتی که بیمارانش با آن دست به گریبان هستند، فرقی با مشکلات خودش ندارد. گاتلیب با طنزی مثال‌زدنی از ما دعوت می‌کند تا وارد دنیای او به‌عنوان درمانگر و بیمار شویم و به واکاوی حقایق و دروغ‌هایی بپردازیم که در فراز و فرود میان عشق و تمایل، معنا و مرگ، گناه و رستگاری، ترس و شجاعت، امید و تغییر به خود می‌گوییم. آنچه در ادامه می‌خوانید گفت‌وگویی است با لوری گاتلیب درباره کتاب «بهتر است با یک نفر حرف بزنی». روابط او و کاراکترهای کتاب.

●●● **«بهتر است با یک نفر حرف بزنی» انواع روابط، روابط والدین، روابط عاشقانه و دوستانه را در بر می‌گیرد. رابطه‌ای وجود دارد که موقع نوشتن کتاب کشف کرده باشید و شما را شگفت‌زده کرده باشد؟**

بله، در این کتاب در مورد زن جوانی می‌نویسم که وقتی از ماه عسل برمی‌گردد، متوجه می‌شود آنچه فکر می‌کرده نشانه بارداری است، رواقع از علایم سرطان بوده. گرچه رابطه ما یکی از عمیق‌ترین رابطه‌های من با بیمارانم بود، رابطه‌ای که مرا به تعجب واداشت، رابطه او با همسرش بود. او و همسرش در مورد سخت‌ترین مسائل به شدت بحث می‌کردند. آنها در جمع حرف می‌زدند اما در پایان، یکی به زندگی خودش برمی‌گشت و دیگری نمی‌توانست. همچنین درباره انواع چیزهایی که همه زوج‌ها تجربه می‌کنند اعم از حسادت، عصبانیت، خودخواهی، جاه‌طلبی‌های رقابتی، ضرر و اندوه، صادقانه صحبت می‌کردند. رابطه دوستانه آنها بسیار عمیق بود. لازم نیست یک بیماری کشنده فضایی برای زوجین به وجود بیاورد تا صادق باشند و دریابند که حتی در تاریکی هم شادی وجود دارد و صمیمیت و عشق حرف اول را می‌زند.

●●● **در این کتاب پیچیدگی‌های روابط درمانی یک به یک مورد بحث قرار گرفته است. چطور این تغییر انرژی پویا میان درمانگر و زوج در اتاق درمان رخ می‌دهد؟**

سوال مهمی است، زیرا وقتی افراد برای درمان می‌آیند، فقط به داستانی که تعریف می‌کنند گوش نمی‌دهم، بلکه به اعطاف‌پذیری آنها در داستان‌شان هم توجه می‌کنم. آیا قهرمان داستان درحال پیشروی است یا بیهوده دور خودش می‌چرخد؟ همه ما تمایل داریم داستان را به روشی خاص بگوییم؛ همان روشی که می‌بینیم. اما همه ما نقاط کوری داریم. بنابراین وظیفه من به‌عنوان درمانگر این است که آینه‌ای در اختیار مردم قرار دهم تا بتوانند خودشان را واضح‌تر ببینند. با زوج‌ها که هستم فقط یک نسخه از داستان را نمی‌شنوم. حرف دو نفر را گوش می‌دهم. داشتن بیش از یک راوی، به افراد این امکان را می‌دهد که چیزی درباره خودشان و همسران‌شان هرچه سریع‌تر بیاموزند.

●●● **به‌زودی یک اقتباس تلویزیونی از «بهتر است با یک نفر حرف بزنی» به صفوف برنامه‌هایی می‌پیوندد که نگاهی اجمالی به جلسات درمانی می‌اندازد. نظرتان در مورد عملکرد درست و غلط برنامه‌های درمانی دیگر در تلویزیون چیست؟**

دوتم اصلی در این کتاب وجود دارد. یکی اینکه ما در ارتباط با دیگران رشد می‌کنیم. دیگر اینکه ما بیشتر از اینکه با هم متفاوت باشیم، یکسان هستیم. فکرمی‌کنم آوردن